

سخنرانی حسن عباسی

ناکار آمدی؛ عقب نشینی از قله ایدئولوژیک به دامنه‌ی استراتژیک

تهیه و تنظیم: محسن مومنی

توجه به دو نکته اصلی در کارآمدی نظام

برای دهه پنجم انقلاب اسلامی و بحث چهل سالگی از دو مسئله اصلی در کارآمدی نظام باید پرده برداریم و با جدیت به سمت آن برویم:

۱) یکی این که مسئله کارآمدی را در مباحث استراتژیک تحت عنوان اثربخشی اقدامات و فعالیت‌ها دنبال کنیم. تبلیغ گسترده‌ای که روی ناکارآمدی نظام می‌شود موجب شده کار خود ما هم به انفعال بکشاند چون یک مقداری حجم عملیات روانی دشمن زیاد است خود این عاملی شده که ما هم باور کنیم نظام، ناکارآمد است. این نکته اول که کارآمدی‌ها را ببینیم؛ خیلی روی ناکارآمدی‌ها زوم نکنیم که به خصوص ناکارآمدی‌هایی که در جامعه مطرح می‌شود ناکارآمدی تاکتیکی است یعنی بنیادی و اساسی نیست.

۲) نکته بعدی این است که آن‌ها در طرح‌ریزی استراتژیک به چهار سطح استراتژیکی، عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی ساختار را طبقه‌بندی می‌کنند. یک سطح فوقانی می‌بینند که آن سطح ایدئولوژیک هست ما مسئله ما این است که آیا نظام جمهوری اسلامی ناکارآمدی ایدئولوژیک دارد یا نه؟ بعد می‌آییم یک سطح پایین‌تر مسائل استراتژیک را بررسی می‌کنیم.

اجمال مسئله این است که شوروی را برای اینکه از هم متلاشی کنند، دعوا را با شوروی از سطح ایدئولوژیک آوردند در سطح استراتژیک. الان این پروژه بیش از بیست سال است در مورد جمهوری اسلامی اجرا می‌شود که جمهوری اسلامی از مواضع ایدئولوژیک خود پایین بیاید و در سطح استراتژیک درگیر شود. لنین می‌گفت که بین شوروی و آمریکا تقابل سر کپیالیسم و سوسیالیسم است یعنی حرف لنین این بود که یا کپیالیسم یا سوسیالیسم یکی از این دو می‌ماند و آن یکی از بین می‌رود. به دوره خورشچف که رسید قرار شد همزیستی مسالمت‌آمیز کنند. یکی از آن‌ها دیگری را حذف نکند این حرف آمریکایی‌ها نبود، حرف روس‌ها بود. همزیستی مسالمت‌آمیز یعنی از نظر ایدئولوژیک هم کپیالیسم بماند و هم سرمایه‌داری و هم سوسیالیسم شوروی اما به گورباچف که رسید گفت: که تقابل ایدئولوژیک دو طرف می‌تواند منتهی شود. می‌شود بین کمونیسم و کپیالیسم و لیبرالیسم در واقع هیچ تقابلی نداشته باشیم. اینجا بود که شوروی از هم پاشید یعنی از وضعیت آلفا در تنازع ایدئولوژیک کشید به وضعی میوو در خورشچف، در دوره آقای گورباچف رسید به وضعیت اومگا و فرو پاشید یعنی روی حروف الفبای یونانی این را مدرج می‌کند هر مرحله آن یک مرحله‌ای از فروپاشی است یعنی این انعطاف پیدا کرد تا اینکه با غرب همسو شد و زمین خورد. حالا چون ما قبلاً روش اجرا شده

این‌ها را در طرح استراتژیک هفتاد ساله آن‌ها علیه شوروی می‌شناسیم می‌بینیم که این‌ها بصورت گام به گام علیه جمهوری اسلامی اجرا شده است. در دوره خاتمی می‌گفتند که خاتمی گورباچف است یعنی او این همسویی را انجام می‌دهد. شکاف آن‌ها فراینده هست می‌آید می‌آید کاهنده می‌شود. آن که ثابت است آمریکا هست و کپیالیسم است این که به مرور در سه زاویه سقوط می‌کند شوروی است چون این روش قبلاً اجرا شده و کلاسیک است دقیقاً هم نعل به نعل علیه ما دارد همین اجرا می‌شود. در مورد شوروی هم بحث ناکارآمدی را مطرح می‌کردند. حتماً دوستان عنایت داشته باشند که این‌ها وقتی فیلم قلعه حیوانات یا همان مزرعه حیوانات را ساختند، آستانه چهل سالگی عمر شوروی بود یعنی کتابی نوشته شد به نام مزرعه حیوانات. جرج اورول که خودش قبلاً گرایش چپ داشت بعداً دور شد از شوروی، مدتی در اسپانیا بود سپس به انگلیس آمد و این کتاب را نوشت. سازمان سیاه رفت این کتاب را خرید الان اسناد آن هم موجود است در فضای سایبر که سازمان سیاه رفت امتیاز این کتاب را در انگلیس از جرج اورول خرید. یک انیمیشنی برای آن درست کردند. فیلم سینمایی کارتونی است که نشان می‌دهد چگونه مزرعه حیوانات که همان در واقع حکومت شوروی است آن صاحب مزرعه را بیرون انداختند و خود حیوان‌ها اشتراکی شروع کردند جامعه را اداره کرد. خوک‌ها مدیریت صحنه را دست گرفتند. اسب‌ها و الاغ‌ها می‌رفتند کار می‌کردند. خوک‌ها رفتند در خانه همان صاحب مزرعه مستقر شدند و آرام آرام انقلاب استحاله شد البته قیاس مع الفارق است قطعاً اگر دوستان این انیمیشن را ندیدند من خواهش می‌کنم حتماً با کتاب آن را یا فیلم آن را ببینید که چطور شوروی توسط ایمیج (Image: تصویر) از هم پاشید (اصطلاحاً کار هنر تصویری است که ساختند از این قضیه و این تصویر را سی سال بعد یعنی از چهل سالگی تا هفتاد سالگی آن، در جهان نشر دادند) یک ناکارآمدی روانی اینکه سران یک انقلابی خودشان بعداً رفتند جایگزین آن کسانی شدند که این انقلاب علیه آن‌ها صورت گرفته بود.

طرح‌های غربی برای ناکارآمد کردن نظام‌ها

غرب می‌داند چگونه انقلاب‌ها را ناکارآمد کند. در مورد انقلاب‌های گوناگون این کار را کرده. برای کشور ما تهدید خارجی جدی است اما بیشتر آسیب‌های ما داخلی است یعنی بیشتر تمرکز ما روی این مسئله هست. اینجا بود که گورباچف وقتی تقابل کپیالیسم با سوسیالیسم را نادیده گرفت شوروی پاشید. این‌ها بیست سال قبل از آن یک بازی را شروع کردند در دهه ۱۹۷۰ تحت عنوان سالت یک و سالت دو، عین مذاکرات هسته‌ای ما که



شوروی را برای اینکه از هم متلاشی کنند، دعوا را با شوروی از سطح ایدئولوژیک آوردند در سطح استراتژیک. الان این پروژه بیش از بیست سال است در مورد جمهوری اسلامی اجرا می‌شود که جمهوری اسلامی از مواضع ایدئولوژیک خود پایین بیاید و در سطح استراتژیک درگیر شود.

و می‌خواهیم یعنی «لا اله الا الله» ما الان دارد شفاف می‌شود چون در جامعه شناسی انقلاب‌ها مستحضر هستیید که معتقد هستند انقلاب‌ها یا بچه‌زا هستند یا تخم‌گزار. انقلاب‌هایی که بچه‌زا هستند مثلاً وقتی یک گربه به دنیا می‌آید، بچه یک انسان به دنیا می‌آید، دست و پا و سر آن معلوم است فقط می‌دانیم بزرگتر می‌شود. یعنی شکل آن از اول مشخص است اما در انقلاب‌های تخم‌گزار انقلاب‌ها دو مرحله‌ای هستند اول بی‌شکل به دنیا می‌آیند مثل تخم مرغ بعد از چند هفته این می‌شکند و آن مرحله دوم شکل می‌گیرد یعنی تازه متوجه می‌شویم که این جوجه اردک است جوجه مرغ است یا مثلاً سوسمار است. انقلاب اسلامی در مرحله جدید حالا باید کم‌کم مشخص کند که اجزاء آن چیست؟ اقتصاد، فرهنگ، سیاست و ساختار نظامی آن چیست؟



امام انقلاب، ایدئولوگ انقلاب

پس وجه اول مسئله ما در کارآمدی نظام و معرفی کارآمدی مسئله، کارآمدی در بخشی است به نام کارآمدی ایدئولوژیک. بار اصلی کارآمدی ایدئولوژیک بر عهده خود حضرت امام بوده و در دوره اخیر هم بر عهده حضرت آقا هست یعنی کسی که با تمام توان با شجاعت ایستاد آن روز فرمود: اگر در بانک ما ربا بماند جمهوری ما اسلامی نیست؛ در سال ۶۳ حضرت امام بود و اگر امروز یک کسی صراحتاً می‌ایستد می‌گوید مبانی علوم اسلامی غرب در تعارض با اسلام است و این با مبانی ما سازگار نیست، آن کسی که کلاً مبانی ایدئولوژیک اسلامی را ذره‌ای از آن عقب‌نشینی نمی‌کند و با او مشکل دارند خود شخص ولی فقیه است مثلاً در بخش قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی در پروژه دیپلماسی علوی آقا ۴۵۰ بار دیدار داشته‌اند. می‌دانید در دوره هیچ کدام از انبیاء چنین امکانی برای اهل حق نبوده، در دوره هیچ کدام از ائمه هم نبوده، جالب است که در بیرون عالم اهل حق یعنی در عالم کفر هم هیچ کس تا حالا ننشسته ۴۵۰ نفر از سران دنیا دیدار او ببینند.

هرچه اسلامی‌تر، کارآمدتر

هرچه کارآمدی بوده برای بخش اسلامی نظام است و هرچه ناکارآمدی

بر سر مسائل تکنیکی و فنی بود. تلاشی که از بعد از دوره خاتمی شد که در دوره احمدی‌نژاد به نتیجه نرسیدند، در دوره جدید تحت عنوان سیاست‌های درهای باز جلو بردند. تلاش بر این بوده که جمهوری اسلامی از سطح ایدئولوژیک سقوط کند به سطح استراتژیک یعنی برویم سر تعداد سانتری‌فیوژها، سر قضیه موشکی، بر سر قاسم سلیمانی، سر حضور در سوریه سر این چیزها، این‌ها مصادیق استراتژیک است. دعوی ما با غرب دعوی ایدئولوژیک است. دعوی ما دعوا بر سر بنیان‌هایی است که در میانی و حیاتی ما و نگاه عترت آمده اگر قرار باشد ما تنزل بدهیم همه چیز را به تعداد سانتری‌فیوژها به زد و خوردهایی که در قضیه مثلاً کادسا یا قانون ایسا داریم من نمی‌گویم این‌ها مهم نیست؛ این‌ها مسائل تخصصی حوزه استراتژیک است و در سطح استراتژیک این تقابل‌ها مطرح هست ولی ما اگر یک میلیون مشکلات استراتژیک هم با غرب حل کنیم اما یک دانه از مسائل ایدئولوژیک ما با غرب حل نشود ما همه چیز را باختیم.

دعوی مبنایی با غرب، تمام شدنی نیست

به لحاظ ایدئولوژیک غرب ضد توحید است. حالا در روانشناسی، در جامعه شناسی، در اقتصاد، در هر چیزی کارآمدی نظام در سطح ایدئولوژیک خودش را نشان می‌دهد نه در سطح استراتژیک چون در سطح استراتژیک که خیلی از این مصادیق می‌تواند در حکومت غیر دینی هم شکل بگیرد. دعوی ما این است تلاش اصلی که دشمن می‌کند توسط دولت آقای هاشمی، آقای خاتمی، آقای احمدی‌نژاد، الان آقای روحانی این است که دعوا را توسط رؤسای دولت‌ها بیآورند در سطح استراتژیک اما تلاش حضرت آقا این بوده که بازی را در سطح ایدئولوژیک نگه دارد. این‌ها بحث‌های کارآمدی نظام در سطح ایدئولوژیک است که خود شما می‌دانید کجاها ما اگر کوتاه بیاییم سر قضیه مثلاً ربا که اساس بانک بر ربوی بودن آن است، آنگاه ناکارآمدی ما مشخص می‌شود.

ما ۱۴۰ زیرنظام در جمهوری اسلامی داریم یکی از آن‌ها نظام مالی است که ربوی است. زیرنظام دوم دانشگاه است که اساس آن تثلیث است. زیرنظام سوم تعلیم و تربیت است که اساس آن تربیت پیاژه‌ای و فرویدی است. نظام ما یک دوره طولانی آزمون و خطا جلو رفته تا مشخص بشود بانک آن ربوی است، سیستم دانشگاه آن تثلیثی است، نظام کشاورزی آن این است، نظام قضایی آن این است، از همه بدتر قوای سه گانه حکومت، تثلیثی است. این تقسیم‌بندی قوا به مقتنه، مجریه و قضائیه را مونتسکیو از پدر، پسر، روح القدس گرفته یعنی در واقع یکی از دلایلی که در جمهوری اسلامی هرکس می‌شود رئیس دستگاه اجرایی کشور، روبروی شخص ولی فقیه می‌ایستد از بازرگان و بنی صدر تا امروزه آقای هاشمی و خاتمی و احمدی‌نژاد و آقای روحانی یک مشکل این سیستم این است که مبانی نظام‌سازی آن، قرآنی نیست. همانطور که در دیدار طلاب که تابستان امسال خدمت حضرت آقا رفته بودند ایشان فرمود: ما هنوز دولت اسلامی تشکیل ندادیم، این ناکارآمدی در بخش ایدئولوژیک یکی از مسائل کلیدی است که به یک شکل جدی ما می‌توانیم آن را حل کنیم. ۲۵۰ سال طول کشید غربی‌ها تمدن‌سازی کردند از این حیث ما در کمتر از چهل سال «لا اله الا الله» خود را گفتیم یعنی برای ما روشن شده که چه چیزی را نمی‌خواهیم. آن بخشی را که نیاز داریم

ما در سطح ایدئولوژیک موفق بودیم، در سطح استراتژیک یک مشکلاتی داشتیم که مسبب آن کسانی بودند که مبتنی بر مباحث و مبانی لیبرالی این کارها را پیاده کردند، آن‌ها باید پاسخگو باشند، نه اینکه آن‌ها بیایند نظام را پاسخگو بدانند.

آن‌ها این بود. یازده نفر گفتند جنگ مذهبی ۳۰ ساله است. کیسینجر برای آن کتاب نوشته که کتاب او در ایران ترجمه شده به نام «نظم جهانی» حتماً خواهش می‌کنم دوستان این کتاب را ببینند. آنجا یأس را می‌بینید می‌گوید دولت ملتی که بعد از معاهده وستفاليا بوجود آمد این تا الان دوام آورده در قالب ایدئولوژی کپیتالیزم اما حالا این به بن بست رسیده. ما باید این را نجات بدهیم. بن بست آن در مواجهه با مدل جمهوری اسلامی است. برژینسکی قبل از اینکه بمیرد دو مقاله برای آن نوشت گفت: این جنگ مذهبی ۳۰ ساله هست. جان کری وزیر خارجه اوباما گفت. این جنگ مذهبی ۳۰ ساله هست. زلمای خلیل زاد گفت: این جنگ مذهبی ۳۰ ساله هست. لئون پاناتا وزیر دفاع او گفت: این جنگ مذهبی ۳۰ ساله هست. ریچارد هاس گفت: این جنگ مذهبی ۳۰ ساله هست. ۳۰ سال شیعه و سنی از همدیگر می‌کشند بعد نسل بعد می‌آید می‌گوید خیره الله خیر نه شیعه، نه سنی، اسلام کنار برود.

تدبیر امام خامنه‌ای در مقابل طرح‌های آمریکایی

حالا پیروزی چگونه حاصل شد؟ حضرت آقا صدا کرد گفت: این‌ها را اینجا جمع کنید. مجمع تقریب این‌ها را در هتل المپیک جمع کرد. آن موقع بود که آقا بیمارستان رفتند، کسالت داشتند. اگر یادتان باشد تابستان ۹۳ فرمودند: ببینید دعوا بر سر قرآن است. اصل اسلام را می‌خواهند بزنجند. سال بعد این همایش در قم برگزار شد. همایش جهانی مبارزه با تکفیر زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی تکفیری‌های شیعه طرد شدند. حضرت آقا عنوان آن‌ها را گذاشتند تشیع انگلیسی. اهل سنت اعتماد کرد وقتی آقا شیعه تکفیری را که در انگلیس این کارها را می‌کنند طرد کرد سال بعد سال ۹۵ نوبت اهل سنت بود. این‌ها در ۴ شهریور ۱۳۹۵ در شهر گروزیی چچن جمع شدند. مالکی‌ها، شافعی‌ها، حنبلی‌ها و حنفی‌ها یک میلیارد و دویست نفر را نمایندگی می‌کنند. بزرگان الازهر مصر هم بودند. حالا چرا در گروزیی؟ چون که بیشتر حجم فرماندهان داعش و النصرة و القاعده از آنجا می‌آیند. بعد از چهار روز در ۴ شهریور پارسال بیانیه‌ای که منتشر شد، رئیس الازهر این را آنجا خواند. بیانیه این بود که وهابیت از اهل سنت بیرون است. این پیروزی برای ما به قدری عظیم بود که یوسف القرضاوی یک هفته در تلویزیون الجزیره به سران این مذاهب به

است برای بخش غیراسلامی است. بخش غیراسلامی یعنی بخش لیبرالیستی و کپیتالستی. ما در سطح ایدئولوژیک کارآمدی داریم. کارآمدی ما هم این بوده که در بخش لاله ثابت کردیم چه چیزی را نمی‌خواهیم از این جهت من می‌خواهم خدمت شما عرض کنم ما در سطح ایدئولوژیک به شدت در چهل سال گذشته موفق بودیم اولاً یک حکومت اسلامی ۳۹ سال دوام آورده که در دوره انبیاء و ائمه چنین مدتی این امکان رخ نداده این خودش یک پیروزی عظیم است ثانیاً اینکه امروز تکثیر شده از نظر ایدئولوژیک حزب‌الله لبنان یک مدل است، حیدریون، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان، حشد الشعبی، النجباء، انصارالله یمن، جریان بزرگوارى مثل شیخ ابراهیم زکراکی در نیجریه، کار شهید نمر در عربستان.

تحلیل جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی

شما ملاحظه کنید در سه ماه گذشته هر اتفاقاتی که افتاد می‌توانست یک نظام تمدنی را متلاشی کند اما نه تنها متلاشی نشدیم بلکه در عین ناباوری دشمنان بر داعش هم پیروز شدیم. پیروزی بر داعش را کسی باور نمی‌کرد چون می‌دانید اینها جنگ مذهبی ۳۰ ساله را طراحی کرده بودند. پیروزی سردار قاسم سلیمانی دیده شد ولی پیروزی کاری که آیت‌الله اراکی در مجمع تقریب مذاهب انجام داد متأسفانه انعکاس پیدا نکرد. وقتی که داعش حمله کرد و تا پشت بغداد آمد، ریچارد هاس یک مقاله نوشت تحت عنوان جنگ مذهبی جدید ۳۰ ساله. این جنگ مذهبی جدید ۳۰ ساله یعنی چه مگر قبلاً جنگ مذهبی بوده؟ بله ۴۰۰ سال پیش در ۱۶۱۸ یک جنگ مذهبی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها شد به مدت ۳۰ سال کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها همدیگر را کشتند شب عید سنبارتلمی در پاریس یک شب تا صبح ۸۰۰۰ نفر از کاتولیک‌های نومذهب (پروتستان‌ها) را نابود کردند، سلاخی کردند، عین کارهای داعش، خبر با تأخیر به اروپا رسید بقیه اروپا وقتی فهمید آتش گرفت. این کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها را در کلیسا آتش می‌زدند آن‌ها برعکس کاتولیک‌ها را در کلیسا می‌کردند و آتش می‌زدند. به قدری این دوره، دوره تاریکی است که می‌دانید جمعیت اروپا نصف شد و آنقدر فاجعه بد بود که جنگ را کنار گذاشتند و صلح وستفاليا شد. آن معاهده وستفاليا بعد از این جنگ مذهبی ۳۰ ساله است. نسل بعد آمد گفت «خیره الله خیر» آقا جان نه کاتولیک نه پروتستان، اصل مسیحیت کنار برود. از اینجا دوره سکولاریزسیون شروع می‌شود. این‌ها یک چنین پروژه خطرناکی را برای جهان اسلام در نظر گرفتند که داعش بیاید نابود کند. تفکر آن‌ها این بود که این‌ها بیایند بعد از بغداد به نجف و کربلا برسند آنجا را بگیرند و بران کنند، خون شیعه به جوش بیاید راه بیفتد سنی کشی کند و سنی‌ها همبظور. پیش بینی



را تهدید کردند که بپای اینجا جلوی دوربین بنشین استعفاء بده. سیدحسین نصرالله گفت: اصلاً این قبول نیست. او باید بلند شود بیاید اینجا استعفاء بدهد. دیدید عین بچه آدم بلند شد آمد رفت سر پست خود نشست. این موضوع اگر ۲۰ سال پیش اتفاق می افتاد یک جنگ داخلی در لبنان ایجاد می کرد. نمی شد آن را جمع کرد. این اتفاقات آنقدر تعدادش زیاد است که ما اصلاً از تحلیل آن ها جا می مانیم چه برسد به اینکه بخواهیم بیایم برای افکار عمومی تبیین کنیم.

انقلاب اسلامی، تهاجم فرهنگی ما به غرب

این است که ما در سطح ایدئولوژیک یک پیروزی‌هایی داریم، یک کارآمدی‌هایی داریم. این کارآمدی‌ها را باید ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۵۲۰، همین طوری فهرست کرد و مرتب تکرار کرد. یکی از مسائل ما این است یعنی ما تریبون داریم، منبر داریم، باید تا می توانیم این کارآمدی نظام را در سطح ایدئولوژیک مشخص کنیم. پس ما در سطح ایدئولوژیک الی ماشاءالله در ۳۹ سال گذشته پیروزی داشتیم واقعیت این است که ما تهاجم فرهنگی کردیم به کفر، به الحاد، به کپیتالیسم، به مارکسیسم. امام ما یک موقع فرمود: به جنگ بیهوده با خدا پایان بدهید. گورباچف گوش نکرد سه سال بعد شوروی از هم پاشید. الان حضرت آقا می گویند: تا ۲۵ سال آینده رژیم صهیونیستی نمی ماند، بعضی‌ها می خندند. لذا ما این



پیروزی‌های ایدئولوژیک را اول خودمان باید باور کنیم، این‌ها را خودمان باید در بین خودمان خوب و عمیق بشناسیم، بعد شروع کنیم این‌ها را نه یکبار دوبار سه بار بلکه بخاطر جشن چهل سالگی تا دهه فجر سال آینده مکرر در مکرر این‌ها را آنقدر تکرار کنیم تا در جامعه تثبیت شود. حالا ما که به شدت دنبال این هستیم که این‌ها عمدتاً فیلم سینمایی و سریال و غیره و ذلک بشود ولی عرض من این است: پیروزی‌های ایدئولوژیک نظام اصل است.

کارآمدی در نظام فرهنگی

ما اگر اجازه بدهیم دعوی نظام را از سطح ایدئولوژیک به سطح استراتژیک بیاورند عین شوروی می‌باشیم. این است که ما مدعی هستیم الان ما مقابل این قضیه سند ۲۰۳۰ و این موضوع ازدواج سفید و هم باشی و این موارد جنبش مردمی حلال زاده‌ها را شروع کردیم. نقشه خانواده ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶ را که نهادی وابسته به سازمان ملل منتشر کردند ما یکی یکی ردیف را نگاه کردیم دیدیم چقدر زنا زادگی

خصوص به مسئولین الأزهر مصر فحش می داد و عربستان بودجه الأزهر مصر را قطع کرد ولی متأسفانه انعکاس نداشت حالا ببینید ما وقتی این را مثلاً مبسوط و مستوفی و اسناد آن را روی پرده برای دانشجویها تشریح می کنیم چه اتفاقی می افتد؟ من اولین بار که این مسئله را در تلویزیون مطرح کردم خیلی از مسئولین زنگ زدند گفتند: آقا چرا این را آقای اراکی نمی آید برود بنشینند در تلویزیون توضیح بدهد؟ گفتیم: این را باید از مسئولین تلویزیون پرسید! اگر این ماجرای موضع شیعه در قم در همایش مبارزه با تکفیر سال ۹۴ و همایش علمای اهل سنت سال ۹۵ در گروزی چون نبود، پیروزی امسال بر داعش شکل نمی گرفت چون هنوز تکفیری‌های دوطرف آتش بیار معرکه بودند.

کار میدانی یعنی کار تاکتیکی یا عملیاتی که حاج قاسم و مدافعان حرم به در آن عرصه به پیروزی رسیدند، این بعد از این بود که ما یک پیروزی ایدئولوژیک به دست آورده بودیم.

جلوگیری از تجزیه منطقه، دستاورد جبهه مقاومت

در مسائل ایدئولوژیک پیروزی دوم جلوگیری از طرح تجزیه منطقه بود. شما مستحضر هستید ۱۰۲ سال پیش در ۱۹۱۵ بعد از اینکه این‌ها امپراطوری عثمانی را متلاشی کردند تعداد زیادی کشور درآوردند مثل ترکیه، سوریه، عراق. سایکس و پیکو دو نفری نشستند و نقشه جلوی خود گذاشتند. فرانسه و انگلیس این قرارداد سایکس - پیکو را رقم زدند. رابین رایت زیر نظر کاخ سفید آمد نقشه تجزیه کشورهای منطقه را منتشر کرد. عربستان به پنج کشور، عراق به سه کشور، سوریه به سه کشور، یمن به دو کشور، ایران به هفت کشور، لیبی به سه کشور این پروژه را این‌ها انجام داده بودند. اولین جایی که استارت این خورد کشور عراق و منطقه کردستان عراق بود. حضرت آقا محکم ایستاد گفت: ما یک ذره عقب‌نشینی نمی کنیم. چون می دانید اگر این اتفاق می افتاد دومینووار تجزیه همه شروع می شد. حاج قاسم را آنجا فرستاد ایشان هم با کت و شلوار رفت. در مراسم ترخیص مرحوم جلال طالبانی شرکت کرد. بعد از مراسم ترخیص گفت: من تا حالا جلوی حشدالشعبی را گرفته بودم از فردا دیگر حشدالشعبی می داند و خودتان. که حشدالشعبی آمد کرکوک را تسخیر کرد و چند روز بعد مسعود بارزانی مجبور شد استعفاء بدهد. ترکیه هم فهمید باید در آن قضیه پشت سر ما بیاید و الا ترکیه هم بالاخره بخش کردستان آن تجزیه می شد. محکم در این قضیه ایستادیم. اگر این اتفاق نیفتاده بود ما مثل ۱۰۲ سال پیش کاملاً دوباره منطقه را می دیدیم که تجزیه می شد. ماجرای سعدحریری که رفت عربستان، او





**پیروزی‌های ایدئولوژیک
 را اول خودمان باید باور
 کنیم، این‌ها را خودمان
 باید در بین خودمان
 خوب و عمیق بشناسیم،
 بعد شروع کنیم این‌ها را
 نه یکبار دوبار سه بار بلکه
 بخاطر جشن چهل سالگی
 تا دهه فجر سال آینده
 مکرر در مکرر این‌ها را
 آنقدر تکرار کنیم تا در
 جامعه تثبیت شود.**

سروری کنیم، ربا و طمع را در جهان شیوع بدهیم. حالا نئوکنزین‌ها یعنی یک کسی مثل آقای نوبخت، آقای نهبودیان، آقای نیلی این آقایان می‌آیند در حکومت اسلامی، در مجمع تشخیص مصلحت نظام مبانی اقتصاد حکومت دینی را در یک تقابل ایدئولوژیک می‌برند به سمت نئوکنزین، حالا تا آنجایی که دعوی ایدئولوژیک باشد باز مشکلی ندارد ولی وقتی در سطح استراتژیک این‌ها می‌آیند همین را پیاده می‌کنند. پیاده که می‌شود مردم می‌گویند: شما جشن چهل سالگی می‌خواهید برای چه بگیرید؟! شما ناکارآمدی خود را در بیکاری و در دلار بالای ۴۵۰۰ تومان چگونه می‌گویید جمهوری اسلامی موفق بوده در حالی که این ربطی به جمهوری اسلامی ندارد، این میناردکنیز است. نگاه نئوکنزین است. این آدم طرفدار ریاست، اساس نظام در نگاه امام راحل و مقام معظم رهبری و مراجع تقلید مبارزه با ریاست، اصلاً و اساساً هیچ ربطی به اسلام ندارد. مردم شما رأی دادید این آدم بیاید این را به حساب اسلام نگذارید یعنی ما اصل برائت و اصل تبری را اینجا باید با جدیت مینا قرار بدهیم و الا در سطح استراتژیک انواع زیرنظام‌ها را من برای شما بشمارم در انواع زیرنظام‌ها مبانی‌ای که در دوره آقای احمدی‌نژاد، دوره آقای روحانی، دوره آقای خاتمی، دوره آقای هاشمی پیاده شده الان ناکارآمدی‌های خود را دارد نشان می‌دهد. آن ناکارآمدی دارد به اسم اسلام ثبت می‌شود. مردم می‌گویند پس حواس نظام نبوده؟! چرا گذاشتند اینگونه شود؟ می‌گوییم چرا نظام حواسش بوده اشراف اطلاعاتی داشتیم، می‌دانستیم اما انتخاب آزاد است شما مردم آزاد هستید او را انتخاب کنید یا این را. می‌گویید آقا او می‌خواهد بیاید دیوار بکشد بین پیاده روها پس برویم به این رأی بدهیم که می‌خواهد کاری کند که جنگ نشود و تحریم‌ها نباید خودتان انتخاب کردید.

این دو لایه تمایز بین کارآمدی نظام در سطح ایدئولوژیک با کارآمدی نظام در سطح استراتژیک این دوتا باید تفکیک شود. ما در سطح ایدئولوژیک موفق بودیم، در سطح استراتژیک یک مشکلاتی داشتیم که مسبب آن کسانی بودند که مبتنی بر مباحث و مبانی لیبرالی این کارها را پیاده کردند، آن‌ها باید پاسخگو باشند، نه اینکه آن‌ها بیایند نظام را پاسخگو بدانند.

**بررسی تاکتیک دشمن در برهم زدن فضای روانی
 چاره**

کارآمدی نظام یک بخش عمده آن به فضای روانی برمی‌گردد. یک بحث در امنیت داریم بنام تئوری امنیت که حضرت آقا البته مخالف هستند. ایشان یک دیداری در سال ۱۳۷۹ با مسئولین امنیت داخلی کشور از وزارت

در دنیا جدی شده. الان بهترین موقع است که ما بگوییم پیامد اسلام این بوده که ما اگر بنز نداریم، هوایم‌ای ایرباس نداریم ولی یک مسئله‌ای در فرهنگ ما نهادینه شده است آن هم مسئله حلال زادگی است و همچنین در فرهنگ عراقی‌ها، سوری‌ها، افغانی‌ها، پاکستانی‌ها آنقدر این جنبش حلال‌زادگی در ایجاد اعتماد به نفس امروز در جوان‌ها و در نوجوان‌های مدارس در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها نقش دارد که او نگاه می‌کند می‌گوید این پدر و مادر من عجب با کلاس بودند! همین که جمله ما که تمام می‌شود همه به افتخار پدر و مادرشان بلند می‌شوند، سوت و کف و بیخ می‌زنند یعنی ما در این نیمه پر لیوان یعنی مسئله حلال‌زادگی نسبت به آن چیزی که آن‌ها الان دارند راه می‌اندازند یعنی حرام‌زادگی و ازدواج‌های کذا و کذا جلوتر هستیم.



**کارآمدی در نظام اقتصادی و چالش‌های پیش
 روی آن**

اما در عرصه اقتصادی من صراحتاً خدمت شما عرض می‌کنم دوره آقای احمدی‌نژاد مبانی اقتصادی که پیاده شد برای آقای «میلتون فیریدمن» بود و مکتب شیکاگو. آقایانی که از دانشگاه علامه طباطبایی آمدند، آقای پژیوبان و تیم او، آقای فرزین، آقای شمس‌الدین حسینی، این دوستان اصطلاحاً فریدمنی هستند. دوره اخیر آقای روحانی دارد مدلی را پیاده می‌کند که مدل «نئوکنزین» این نئوکنزین چیست؟ در کتابی که ایشان نوشت آقای هاشمی سال ۸۹ برد خدمت حضرت آقا گفت: آقا سند اقتصادی ما آماده شد! آن‌ها در این کتاب می‌گویند که الگوی مطلوب توسعه در جمهوری اسلامی آن چیزی که به نظر می‌رسد مناسب‌تر است و می‌توانیم با آن هماهنگ باشیم «مکتب نئوکنزی‌ها» یعنی کنزین‌های جدید و نهادگرایانه است. در واکنش به این بود که حضرت آقا آمد فرمود: «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»

باید برویم سراغ الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نه اینکه برویم سراغ میناردکنیز، میناردکنیز کیست؟ این آدم قبل از جنگ جهانی دوم یک کتابی نوشت آنجا گفت ما باید در آینده در ۱۰۰ سال آینده در دنیا اگر می‌خواهیم

در مجموع آمریکایی‌ها شانزده استراتژی علیه ما اجرا کرده‌اند یعنی این‌ها در طول این پانزده، شانزده سال گذشته، سالی یک استراتژی دادند یعنی چقدر باید عرق بریزند یک استراتژی بدهند و ما آن را ناکارآمد کنیم؛ سپس سراغ استراتژی بعدی بروند. الان جمیع این شانزده تا دارد علیه ما استفاده می‌شود.

این را وقتی شما بگذارید جلوی مخاطب یعنی این را یک ساعت روی پرده توضیح بدهید بعد بگویید شوروی کلاً با سه تا استراتژی شکست خورد اما شانزده استراتژی علیه ما پیاده شده و الان هم هر شانزده تا آن با هم دارد اجرا می‌شود هیچ نمودی هم در جامعه ما از این حیث که بتواند سیستم را پاشاند ندارد این‌ها همان بحث‌های کارآمدی ایدئولوژیک و بحث‌های کارآمدی استراتژیک است که باید برای مردم تشریح کرد.

جمع‌بندی:

در بخش ایدئولوژیک، ما باید کارآمدی ایدئولوژیک نظام که مخصوص و وظیفه رهبری نظام است و آن نتیجه کار امام راحل و حضرت آقا است را با برجستگی جدی مطرح کنیم. اما در بخش استراتژیک اشکالات برمی‌گردد به خود دولت‌ها و مجلس‌ها و قوه قضائیه و جاهای دیگر چون اجرا بوده باید خود دوستانی که متولی اجرا بودند پاسخگو باشند ما باید با مبانی نظری آن با روش‌ها و ساز و کارهای آن بتوانیم این را برجسته کنیم و بخش ناکارآمدی‌ها را مسئول و عنصر متولی آن را به جامعه معرفی کنیم. اصل مسئله این است که امروز فضای روانی کارآمدی و ناکارآمدی مطرح هست یعنی ما خیلی از مؤلفه‌های کارآمدی را به دلیل همان فضای روانی که گفتم محیط امنی است اما نمی‌توانیم احساس امنیت را به مردم بدهیم نمی‌توانیم معین کنیم. این یک ضعف ما هست اینجا دیگر بحث قدرت نرم و جنگ نرم است. شما یادتان است شهید اسکندری که سر او بریده شد و سر ایشان را در جبهه النصره سر نیزه کردند گفتند عین امام حسین (علیه السلام) شما، بقیه شما را هم سرتان را می‌بریم. ما در ایران نمی‌توانستیم آن را انعکاس بدهیم اما به شهید حاججی که رسید دیدید چه سر و صدایی شد. این فاصله چه فاصله‌ای بود؟ فاصله‌ای بود که بخش قدرت نرم سپاه موفق شد از جایی که نمی‌توانست بگوید ما در سوریه هستیم، ما کسی به نام قاسم سلیمانی نداریم و به خدا ما نیستیم! تا اینجایی که یکی بیاید قاسم سلیمانی را به عنوان چهره مطرح کند؛ بیاید بگوید ما آنجا هستیم و خوب کاری هم می‌کنیم که هستیم. این فاصله فقط سه سال است اما بطور سیستم قدرت نرم جمهوری اسلامی عموماً در بخش قدرت نرم بسیج خصوصاً موفق شد کار را از این حالت به این حالت برساند! ما یک چنین پروسه‌ای را باید تعریف کنیم بیاییم موضع حضرت آقا را و موضع حضرت امام را در بخش کارآمدی ایدئولوژیک در یک فرایند جنگ شناختی و قدرت نرم برسانیم به جایی که چهره بشوند و آن محبوبیت بوجود بیاید. تنها فرمانده‌ای که آن بالا کنار فرماندهان نمی‌ایستد فرمانده نیروی قدس است همیشه او را دور نگه می‌داشتیم اما الان محبوبترین فرمانده نظامی قاسم سلیمانی است. اینجا ما مگر چه کار کردیم تنها کاری که قدرت سیستم نرم نظام انجام داد این بود که ما آمدیم گفتیم ما آنجا هستیم به این دلایل. مثلاً سر قضیه شهیدهای باغبانی آقا این فیلم‌بردار بوده و سوریه رفته بعد شهید شده اصلاً مدافعان حرم مطرح نبود ما مجبور

کشور فرمود: من این نظریه را قبول ندارم که امنیت پدیده ضمنی، نسبی و حسی است، امنیت یک پدیده قطعی و عینی است. حرفی که غربی‌ها می‌زنند در حسی بودن امنیت این است که شما اینجا یک ساختمان قوی دارید مثلاً هشت ریشتر در مقابل زلزله مقاومت دارد. به من اعتماد دارید من مثلاً سرباهدار اینجا هستم من می‌گویم: این ساختمان یک درجه در مقیاس ریشتر بیشتر مقاومت ندارد الان هم قرار است زلزله بیاید. شما در یک محیط امن احساس ناامنی می‌کنید اما برعکس اینجا اصلاً مقاوم نباشد ولی شما به من اعتماد داشته باشید من می‌گویم: ببینید راحت باشید، اینجا هشت درجه در مقیاس ریشتر مقاومت دارد، زلزله شدیدی هم بیاید اینجا نمی‌ریزد، شما در یک محیط ناامن با احساس امنیت و احساس راحتی زیست می‌کنید. اما در یک محیط امن احساس ناامنی دارید. در کشور ما الان اینگونه هست. در یک محیطی که کارآمدی‌ها بسیار گسترده بوده حالا آن بخش ناکارآمدی را من قبول دارم صبح تا شب داریم در مورد آن داد می‌زنیم و انتقاد می‌کنیم اما در بخش‌های گسترده‌ای نظام کارآمد بوده اما مردم احساس کارآمدی ندارند زیرا در یک محیط با نظام کارآمد اما با حس ناکارآمدی زیست می‌کنند تقصیر کیست؟ تقصیر ماست که نتوانسته ایم این موضوع را در تریبون‌ها برای مردم روشن کنیم.

انواع استراتژی‌های دشمن علیه نظام

در ادامه لازم است اشاره کنم که در سال ۱۹۴۵ جنگ جهانی دوم که تمام شد تا ۱۹۹۰ که شوروی از هم پاشید، طی ۴۵ سال، سه تا استراتژی از طرف غرب به کار گرفته شد این سه تا استراتژی کلان که آخری آن استراتژی «واکنش قابل انعطاف» بود و استراتژی قبلی آن که «تلافی بزرگ» بود و انهدام قطعی هر کدام پانزده سال دوام آورد یعنی آمریکایی‌ها یک استراتژی می‌دادند پانزده سال جلو می‌رفتند بعد شیفت می‌کردند به استراتژی بعدی. از زمانی که بوش سر آمد تا الان شانزده استراتژی علیه ما اجرا کردند. که استراتژی آنفلوآنزای نیویورکی یکی از آن‌هاست. هویج و چماق که صدام با هویج و چماق سقوط کرد یکی دیگر از آن‌هاست. پلیس خوب و پلیس بد، مکانیزم ماشه، چیکن استراتژی، استراتژی قورباغه تا همین آنفلوآنزای نیویورکی تا هویج سمی تا رسید به آر سه دو که ماجرای فتنه سال ۸۸ بود. استراتژی‌های بعدی که پله پله آمد الان استراتژی آن‌ها آن داستان‌ها را حتماً شنیدید یا انیمیشن و کارتن آن را احتمالاً بچه‌ها تلویزیون می‌بینند دیده باشید استراتژی «لک و روباه» الان در ماجرای پرونده هسته‌ای این‌ها ما را به ضیافت دعوت کردند. لک به ضیافت روباه دعوت شد. روباه جلوی او بشقاب گذاشت. سوپ را در بشقاب ریخت، خود روباه می‌توانست با زبان خود از بشقاب این را لیس بزند بخورد ولی لک با نوک و منقار دراز خود امکان این را نداشت. برای ما در ماجرای هسته‌ای بشقاب لک را طراحی کردند. از قبل هم معلوم بود ما صد دفعه به آن‌ها داد زدیم! آقا این‌ها می‌خواهند این را طراحی کنند. بگونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که شما نتوانید به قول خودتان از مواهب این بهره ببرید اما گوش نکردند. الان استراتژی لک‌لک یعنی لک‌لک رفته ضیافت پنج به علاوه یک، روباه و روباه‌ها بگونه‌ای برنامه‌ریزی کردند که آن‌ها خودشان می‌توانند بخورند اما این‌ها نمی‌توانند بخورند.

□
بیاییم موضع حضرت آقا
را و موضع حضرت امام
را در بخش کارآمدی
ایدئولوژیک در یک
فرایند جنگ شناختی
و قدرت نرم برسانیم به
جایی که چهره بشوند
و آن محبوبیت بوجود
بیاید.



این تصویر را در فضای سالن بزرگ دانشگاه در این محیط تاریک پشت سر هم مرتب شما می بینید یک حس غروری به شما می دهد که آقا این نایب اوست اگر خودش ظهور بفرماید و جلوس بفرماید آنوقت رهبران دنیا چگونه باید بیابند محضر او؟! تصور شما از واکنش جمعیت مثلاً در یک فضای دانشگاهی چیست؟ حالا تازه مهدویت برای این جوان روشن می شود که کارآمدی نظام را در زمینه مقدمه سازی برای ظهور آنجا می بیند ما این ملات و متریل خام را داریم ما این اطلاعات و موارد را داریم فقط ببخشید از محضر شما عذرخواهی می کنم عرضه نداریم اینها را بلد کنیم نه شهر موشکی راه، نه حسن تهرانی مقدم راه، نه گرفتن کماندوی آمریکایی راه، نه تحول در علوم انسانی راه، نه مسئله دیپلماسی علوی را آنقدر از این مواد خامها داریم که کارآمدی را نشان می دهد و ایجاد روحیه غرور در مردم می کند اما گذاشتیم سر قضیه بیکاری و فساد که اینها دارند. بعد منفعلانه دنبال جوسازی اینها می دویم ما برای بخش کارآمدی نظام باید کتابچههایی تهیه کنیم فهرست وار این موارد را و بعد هم تقسیم کار کنیم بعضی دوستان می گویند زمینه بحث ما این قسمت است این را بهتر می توانیم بسط بدهیم یک بخشهای دیگر هست یک شخص دیگر برود بسط بدهد در بازی این دوستان هم نیفتیم اینها می خواهند با اسم میرحسین موسوی و کربوبی ما را سرگرم کنند تا این اسمها برجسته شود می خواهند یک دعوا راه بیندازند تا ۱۴۰۰ که حالا دیگر ما منتقد هستیم ما مرتب در بازی اینها بیفتیم در صورتی که ما باید کار خودمان را بکنیم. افقهایی را حضرت آقا مشخص کرده آن افقها اساس کارآمدی نظام است وقتی آنها را برجسته می کنیم من وقتی یکدفعه در دانشگاه می گویم که حضرت آقا به فرماندهان سپاه فرموده جادوی پولی و مالی دشمن را بشکنید، سروری دلار را بشکنید بعد می آیند می گویند چه کار کنیم جمهوری اسلامی رشد کند می گویم ما باید یک پولی داشته باشیم پول جهانی بشود، ظهور زمانی محقق می شود همانطوری که الان موشک بالستیک جهانی داریم پول جهانی داشته باشیم جوان می گوید من از کجا شروع کنم؟ چگونه شروع کنم؟ از مطالعه کردن شروع کنید وقتی آقا آمده کد داده، جهت داده، نشانی داده آن جهت و نشانی را باید منابع و امکانات را آنجا بیاوریم. عرض من این است بخش کارآمدی را ببینیم نه بخش ناکارآمدی را. با برجسته کردن کارآمدیها و نور کارآمدیها، تاریکی ناکارآمدیها را خنثی کنیم چون این مسئله ایجاد امید می کند. ما در دهه پنجم نظام نیاز به امید داریم.

بودیم بگوئیم آقا این بنده خدا ماشین او در درگیری با پژاک در شمال غرب کشور چپ شده تا اینکه دیگر برویم علنی بایستیم بگوئیم آقا اینها مدافعان حرم هستند و خوب کاری کردیم رفتیم. تلویزیون دو دقیقه نشان داد ما شهرهای موشکی زیر کوهها داریم اما دیدید چه اعتمادی در مردم ایجاد کرد. ما دو مرحله آمریکاییها را گرفتیم اینها شلوارهای خود را خیس کردند ما دو دقیقه نشان دادیم کماندوهای آمریکایی را دستگیر کردیم نیرو دریای که هر روز نمی تواند بیاید روی این تبلیغ کند ما آمدیم این را هر روز مطرح کردیم آقا آمریکایی را هیچ کجای دنیا نگرفتند زانو زده دست او پشت گردنش نبوده گریه نکرده شلوار خود را خیس نکرده و نگفته عذرخواهی می کنم، سه ماه پیش ترامپ در سازمان ملل گفت ایران از ارتش مقتدر آمریکا می ترسد می دانید همه مسئولین غیر از حضرت آقا از فردا به مدت یک هفته موضع گرفتند. ما چی کار کردیم؟ در بخش قدرت نرم آمدیم گفتیم یعنی من یک نامه زدم همانجا ساعت ۱۱ شب به آقای سردار فدوی که زحمت بکش آن فیلمی که اینها خودشان را خیس کردند را منتشر کنید تا مردم بدانند. آقایان نشستند تا صبح یک فیلم ۵۹ ثانیه ای آماده کردند جمله اول برای ترامپ است که در سازمان ملل می گوید ایران از ارتش آمریکا می ترسد بعد این «کماندوی آمریکایی کماندوی سی آر نی بی» را آموزش آنها را ۲۰ ثانیه نشان دادیم که اینها چه جانوران خطرناکی هستند بعد نشان دادیم که آقای فدوی دارد می گوید اینها شلوارهای خود را خیس کردند بعد صحنه خیس کردن شلوارهایشان بعد دارند گریه می کنند و بعد هم که فرمانده آنها گفت ما عذرخواهی می کنیم. ۵۹ ثانیه دم صبح موقع نماز صبح که رسید بچهها این را گذاشتند در صفحه ترامپ. یکدفعه در سطح جهان هشتک آن این بود «گریه وحشت» «کی از کی می ترسد» «آقای ترامپ شما قبلاً آمدید دستگیر شدید خودتان را خیس کردید» به ظهر نرسیده صفحه اینستاگرام من را مدیریت اینستاگرام بست. بعد پیغام به ما دادند نامه نوشتند که آقا شما صحنه خشونت آمیز نشان دادید من هم رفتم دانشگاه تهران آنجا برنامه داشتم ابروی آنها را بردم گفتم آقای اینستاگرام خیس کردن شلوار از چه زمانی تا حالا خشونت آمیز شده؟! بعد دیدند ابرویشان رفت خودشان با احترام دوباره صفحه را باز کردند ببینید ما در بخش کارآمدی وقتی می خواهیم بگوئیم این آمریکا که آنقدر در چشم شما بزرگ است این آمریکا این است آنقدر برای جوانها ایجاد غرور می کند اما تلویزیون رها می کند آن مسئولین هم که نمی توانند بیابند هر روز بگویند ما که تربیون داریم نباید بگذاریم اینها از دست بروند آنقدر این صحنه ای که حضرت آقا نشستند رهبران دنیا در محضر او نشستند